

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! ۱۳۸۴ - ۲۱ دی ۱۳۸۴

www.javanx.com

جوانان حکمتیست ۷۲

مبارزه کارگران شرکت واحد و وظایف ما!

سخنی با جوانان مبارز تهران

سندیکای واحد و جنبش آن

بهنام سیگارودی

اتفاق بسیار زیبایی رخ داد، یک سندیکا در جامعه ای عقب مانده و در کنار حکومتی وحشی و جانی شکل گرفت. حکومتی که در خصومت با انسانیت و خود انسان نمونه است و جرم اصلی تو در آن اظهار وجودت است. اما در باب این جامعه و سردمدارانش صحبت بسیار است که این بار از آن غافل می شویم.

اتفاقات و بلایایی که بر سر دفتر سندیکا (که البته همان دفتر سندیکای خبازان بوده) و اشخاص فعال در آن به خصوص شخص اسانلو آمد همه نشان از توحش این حکومت دارد که حتی حاضر نمی شود که کارگران تشکل آزاد خود را فارغ از دخالت دولت داشته باشند و حتما می خواستند تا انکل های حکومتی را نیز در آنجا رشد دهند.

اما در کنار تمامی این تهدیدها سندیکا بسیار استوار کار خود را ادامه داده و آزادی عبور و مرور را در درون خود قرار داد که از همین منفذ خنجر بر او وارد شد. البته این بحث جای صحبت بسیار دارد که چرایی آن را ثابت نمود و تفاوت های یک فعالیت سندیکایی را در ایران با دنیای دیگر روشن ساخت. در واقع در ایران این موضوع برای یک گروه جانور حکومتی و اسلامی قابل لمس نیست که یک اعتصاب کارگری یا هر حرکت صنفی در ابتدای راه، هدفش رسیدن به یک سری درخواست ها می باشد. ←

کارگران با وعده و وعید، با دروغ و تفرقه افکنی را سر می دواند.

مسئله اینجاست. وظیفه ما جوانان در تهران چیست؟ چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ شاید خود کارگران شرکت واحد ندانند که در چه موقعیت حساسی ایستاده اند. کارگران شرکت واحد با دیگر کارگران از این جهت متفاوتند که در موقعیتی ایستاده اند که این توان را دارند که شهر را فلج کنند. همه می دانیم که با طرح زوج و فرد خودروها در تهران، میزان مسافرت های داخل شهری

با اتوبوس بیشتر شده است. همچنین در مناطق کارگری و فقیر نشین شهر هم اکثر جمعیت از اتوبوس برای حمل و نقل استفاده می کنند. ساده ترین نتیجه ای که می توانیم بگیریم که اگر کارگران شرکت واحد یک روز کاری (باز تاکید می کنم، فقط یک روز) دست از کار بکشند، با اعتصاب خود شهر را عملا به تعطیلی می کشاند. حتی ممکن است که اگر رژیم مطمئن شود که اعتصاب حتمی است و درصد بالایی از رانندگان دست از کار خواهند کشید؛ حتی قبل از اعتصاب فوراً اسانلو را آزاد و درب بسته شده سندیکا را باز کند.

اما دلیل اینکه یک کارگر شرکت واحد دست از کار نمی کشد چیست؟ ←

علی راستین

جوانان!

همانطور که می دانیم مبارزه کارگران شرکت واحد به دنبال دستگیری منصور اسانلو، دبیر سندیکای شرکت واحد به راس اخبار روز این مملکت در آمده است. همچنین حمایت های اتحادیه های کارگری جهانی در بعد بین المللی و حمایت دیگر بخش های داخلی و شخصیت های مطرح کارگری در بعد داخلی بر اهمیت این مبارزات افزوده است.

بر هیچ کس پوشیده نیست که اگر نیت واقعی موسسین سندیکا اقدامی در ابتدای امر اقدامی صرفاً "صنفی" تلقی می شد، با نگاه به روند اوضاع در این مدت و جدلی که بین کارگران و دولت و شخص قالیباف، شهردار تهران پیش آمده است؛ این پدیده را به یک مساله داغ "سیاسی" تبدیل کرده است. خواسته کارگران در طبیعی ترین شکل بسیار واضح است. آنها آزادی بی قید و شرط اسانلو و رفع کلیه اتهامات وارد شده به ایشان را می خواهند و همچنین خواهان بازگشایی سندیکای خود هستند. رژیم جمهوری اسلامی در حال حاضر با تمام ترغیبها در برابر این دو خواست کارگران سر باز زده است و بیش از دو هفته است که

جمهوری اسلامی
میخواهد
نازنین،
دختر ۱۸
ساله را
اعدام کند!

رهائی زن ص؟

از این سایت ها
دیدن کنید:

www.javanx.com

www.hekmatist.com

www.oktoberr.com

www.rahai-zan.com

www.iran-tribune.com

www.pasox.org



جنبش ایران
فردا واقعا
چیست؟

بهرام صالحی ص ۳

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

سندیکای واحد و جنبش آن

پس از باز شدن در سندیکا بر روی هر کس، خبر اعتصاب به راحتی در اختیار وزارت اطلاعات ایران قرار می گیرد و این نهاد آلوده با کارمندان دستمال به دستش اقدام به فتنه انگیزی در این ماجرا میکنند. احتمالاً گروهی مشغول پرونده سازی های تکراری علیه اشخاص هیات مدیره می شوند و گروهی دیگر فتنه را از راه سندیکای خبازان که چندین بار به آن اقدام کرده بودند پایه ریزی می کنند.

مبارزه کارگران شرکت واحد و وظایف ما!

دلایلش ساده است. نمی خواهد وضعیتش از بد هم بدتر شود. نمی خواهد همین یک لقمه نان را هم از سر سفره اش از دست بدهد. نمی خواهد شغل و تنها راه معاش خود و خانواده اش را از دست بدهد. چون فکر می کند تنهاست و مورد حمایت جدی از طرف بخش های دیگر جامعه قرار نمی گیرد. و از سوی دیگر شاید واقعا موقعیت خاص خود را درک نمی کند. و هنوز به خوبی درک نکرد است که کجا ایستاده است و اتحادش چه نیروی عظیمی دارد. شاید خود را کوچکتر می بیند و با دستگیری هایی که رژیم از همکارانش کرده است و می کند، خود را مرعوب حس کرده است.

حال ما جوانان در تهران چه کاری از دستمان بر می آید؟ جوانی که این وضعیت را می بیند و دو تا پایش روی زمین بند است چه راه مسوولانه ای به ذهنش می رسد؟ می شود انشاهای آتشین نوشت و فراخوان به انقلاب داد! اما بطور واقعی راهی به ذهن هر انسان واقع بینی می رسد می گوید که ما جوانان در تهران باید این موقعیت روانی و این جو عمومی تدافعی را در کارگران تغییر دهیم. باید این اعتماد را در بین کارگران ایجاد کنیم که متوجه شوند که تنها نیستند. جوانان چه در دانشگاه، چه در محیط های بیرون از آن، چه به صورت متشکل و چه به صورت جمع های دوستانه این پتانسیل

مسئله دوم به این صورت است که اینها با تحریک و احتمالاً تهدید کارگران خباز شکایت آنها را بر علیه سندیکای واحد بدست می آورند (که شکایت می تواند مبنی بر تصرف مکان باشد) و از هر دو طریق اقدام به پلمپ درب سندیکا و دستگیری فعالین می کنند. اما قضیه زمانی وخیم تر شد که خبر حمله ناگهانی مأمورین به خانه فعالین به گوش رسید. در این مملکت که هر لحظه بوی درگیری و مرگ از خیابان های آن می آید، به نظر عادی می آید که هر حرکتی را با وحشت و دست پاچی خنثی کنند. به واقع نیز همین طور است، یعنی

و قابلیت را دارند که چنین تغییری را ایجاد کنند. راننده شرکت واحد اگر بداند تنها نیست، اگر بداند که مساله اش تنها مساله خودش نیست، بلکه مساله اکثر همانهایی است که روزانه آنها را سوار اتوبوس می کند و جا بجا می کند، آنگاه می تواند روی پای خودش بایستد و خواسته هایش را فریاد بزند. اگر هر کس از ما روی دیوار کوچک اش بنویسد "اسانلو کجاست؟ آزادش کنید"، اگر در همان اتوبوسی که ایستاده ایم حرف اسانلو را جلو بکشیم و بهشان نشان دهیم که مبارزه روزمره آنان برایمان مهم است و دنبال می کنیم، اگر با بچه های محل و دوستان کمک های مالی جمع کنیم و این دلگرمی را بدهیم که پشتیبانان هستیم، اگر ... و قصد من اینجا نسخه پیچیدن نیست. به نظرم خود فعالین در محل بهتر می دانند که بنا به هر موقعیتی با چه ابتکاراتی می توانند این حمایت را ابراز کنند، آنگاه دیگر مساله به شکل دیگری تغییر خواهد کرد. فقط روزی را تصور کنید که کارگران شرکت واحد اعتصاب کرده اند و مردم هم همکاری می کنند و سوار اتوبوس های سپاه پاسداران و وزارت دفاع هم نمی شوند. فکر کنید این روز تعطیل است. یک روز را خودمان تعطیل کنیم. این همه روز را به بهانه شمشیر خوردن فلان امام و پیغمبر تعطیل کرده اند. یک روز را جوانان با رانندگان شرکت واحد، برای آزادی یک انسان و تحقق خواسته های کارگران را "ما" تعطیل کنیم. شرایط برای آزادی اسانلو و نمایش قدرت کارگران همراه خواهد شد.

نیروهای امنیتی و اطلاعاتی آن دائماً درگیر سرکوب مردم می باشند. از حوادثی که متعاقب دستگیری هیات مدیره به وقوع پیوست، اعتصاب رانندگان بود. جالبتر از آن نیز آزاد شدن ۷ نفر از هیات مدیره در روز اعتصاب بود که مسلماً با هدف شکستن اعتصاب انجام شد. اما این طرح تا حدودی موفق بوده و تا حدودی هم نا موفق.

زیرا اعتصاب در منطقه ۶ در جنت آباد تا شب ادامه داشته و در منطقه ۱۳ نیز موفق نبود.

اما در اکثر مناطق دیگر کارگران اتوبوسهای خود را از پارکینگ خارج کرده و به خیابان آمدند. تمام این اتفاقات از توان ایجاد رعب و وحشت حکومت ناشی می شود که به همین واسطه توانست اعمال نفوذ نماید.

در روز اعتصاب همان طور که اخبار آن بارها به گوش رسید، خیابانها حضور کم رنگی از اتوبوس ها را می دید و از ارگانهای مختلف دولت اتوبوس ها به راه افتاده بودند تا از تجمع بیش از حد مردم خودداری کنند. مردمی که در صف ها و یا در اتوبوس ها دیده میشدند برای اولین بار طعم یک اعتصاب کارگری را چشیدند و اکثر گروههای آنها از این حرکت به خوبی یاد میکردند.

در روزهای بعد که اسانلو در بند باقی ماند هیات مدیره تلاشی مشخص برای آزاد سازی وی انجام نداد، اما کارگران آگاه سندیکا مادام به آن فکر کرده و نسبت به آن اظهار نگرانی می کردند. این موضوع تا لحظه ایست که هیات مدیره شجاعانه و علی رغم فشارهای نیروهای

اطلاعات اقدامی برای روشن کردن چراغها و نسب اعلامیه هایی با مضمون آزاد سازی اسانلو و آزادی سندیکا را می نماید. این حرکت در منطقه ۴ اتوبوسرانی و در بسیاری از نقاط شهر ملموس بوده و حتی در سطح شهر پارچه هایی نیز برای آزادی او به دیوار توفکاه ها کوبیده شد. اما از آنجایی که جمهوری اسلامی می بایست وحشیگری و قلدری خود را به هر کس ثابت کند، حتی اخبار آن را نیز منعکس ننمود.

در مجموع سندیکا برای این کارگران نتایج بسیاری داشته است که حتی هنوز هم نتایج آن در کنار ماست. گذشته از آغاز ابتدایی ترین حرکت و رسیدن به نقاط حساس، سندیکا توانست کارگران را نسبت به حقوق خود آگاه کند و به آنها بفهماند که حق گرفتنی است.

امروز کارگران شرکت واحد میدانند که خم شدن و از مردم بلیط گرفتن یک نوع اضافه کاریست، کارشان جزو کارهای سخت و زیان آور است که میبایست ساعات کارشان را تقلیل دهند، بن های معوقه و مزایایشان را باید سر موقع بگیرند و حتی به خوبی می دانند که دشمنشان کارفرماست و با حوادث اخیر در یافتند که دولت تنها حامی کارفرما و ضد کارگر است.

تمام اینها که امروز این کارگران به آگاهی آن رسیده اند، از مزایای سندیکاست و از مقاومت شخص اسانلو.

امروز حتی اگر مقاومت سندیکا به تقبل شکستش بیانجامد، ما کارگران آگاه این سندیکا را در کنارمان خواهیم داشت.

زنده باد اتحاد کارگران جهان



Photo : Hassan Ghæadi

FARS NEWS AGENCY

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

جنبش ایران فردا واقعا چیست؟ بهرام صالحی

این جنبش برآمده از دل جامعه در داخل کشور نیست بلکه ابتدا توسط تعدادی از هواداران نظام پادشاهی در خارج از کشور شکل گرفته و حال قصد دارد خود را به داخل کشور وصل کند و خواست ها و مطالبات خود را به جای خواست ها و اهداف مردم جا بزند.

هر کس با اندک نگاه به برنامه ها و اهداف این به اصطلاح جنبش در می یابد که آنان هوادار نظام پادشاهی هستند.

مردم ایران در انقلاب ۵۷ انزجار خود را از نظام پادشاهی با حضور میلیونی خود در خیابانها و یکصدا سر دادن شعار "مرگ بر شاه" نشان دادند.

و به یک سلسله تاریخ ۲۵۰۰ ساله حاکمیت شاهان ستمگر پایان دادند. گرچه این انقلاب شکست خورد و ارتجاع و ضد انقلاب به قدرت رسید اما دست آورد مهم آن، یعنی پایان دادن به سلطنت را باید ارج نهاد. شعار مرگ بر شاه، تنها به یک شخصیت مفتخور و زورگو که رضا شاه باشد اشاره نداشت، بلکه ناشی از انزجار و نفرت مردم از سیستم حکومتی سلطنت بود. مخترعان این جنبش درس خوبی از انقلاب ۵۷ گرفتند.

سلطنت بدون رعیت بی معنی است و مردم نه تنها دیگر رعیت نیستند بلکه به ریش شاه و شیخ می خندند. مورد تمسخرش قرار می دهند، از این رو سردرگم مانده اند که چگونه و با چه حيله ای میتوان سلطنت را به مردم غالب کرد، ناچار باید کمی مرفقی تر بود و لباس دموکراسی و جمهوری خواهی پوشید. از طرف دیگر نمیتوان دست از شاه و سلطنت برداشت، ناچار باید این دورا با هم مخلوط کرد و نظام پادشاهی پارلمانی شود.

در برنامه شان این چنین می خوانیم که:

"جنبش ایران فردا به دو نوع حکومت های زیر برای ایران در دوران پس از جمهوری اسلامی اعتقاد دارد: پادشاهی پارلمانی و یا جمهوری"

یک پادشاه دیگر رضایت خواهند داد که با پروسه انتخابات به حکومت برسد. اینجا داستان مضحک تر میشود، معلوم نیست که مردم در کجای این تاریخ ۲۵۰۰ ساله یک بار شاه انتخاب کرده باشند که این بار بخواهند بکنند! نه تنها هیچ بار شاه انتخاب نکرده اند، بلکه در تمام طول تاریخ با شاهان ستمگر مبارزه کرده اند و در آخر هم موفق شدند به حاکمیت شاه و سلطنت پایان دهند. در نتیجه صحبت از این هم که مردم قرار است شاه انتخاب کنند مضحک است، تنها شاید با حمایت غرب و پیاده کردن سناریو سیاه و برگزاری یک انتخابات دروغین و مضحک مانند آنچه که امروز در عراق میبینیم این امکان وجود دارد، در غیر این صورت اگر به مردم بگویید که بیایید در انتخابات شرکت کنید و شاه انتخاب کنید چیزی جز توهین به شعور و فهم مردم نیست. و حداقل و کوچکترین عکس العملی که مردم در مقابل این توهین از خود نشان میدهند این است که به ریش این عالیجنابان می خندند. در برنامه نیاز به وجود شاه را این گونه تعریف کرده اند:

"پادشاه یا ملکه به عنوان سمبل وحدت ملی در راس حکومت قرار دارند"

معلوم نیست اگر مردم نیاز به سمبل وحدت ملی داشتند چرا انقلاب کردند و شاه را از کشور بیرون انداختند! شاه نماد و سمبل ستمگری و ظلم است. مردم آزادی و برابری می خواهند، نه شاه و سمبل ظلم و ستم، کسی که در انقلاب ۵۷ فریاد مرگ بر شاه مردم را در مقیاس ملیونی در خیابانها نشنیده باشد باید برای درمان گوشه‌هایش به پزشک مراجعه کند، حال فقط جای تمسخر است که کسی شاه را بخواهد به عنوان سمبل به مردم غالب کند، به قول منصور حکمت: یک کسی یک تاج بر سرش میگذارد و مدام از این خیابان به آن خیابان میروند و مردم هم باید برای این هنر نمایی، دورش حلقه بزنند و تشویقش کنند! این چه ربطی به درد ها و نیاز های مردم دارد! این توهین به شعور و فهم مردم است. مردم ۲۷ سال پیش انقلاب کردند و سلطنت را بزیر کشیدند، دوران حکومت شاهان به پایان رسیده، و شاه امروز سمبل بازگشت به گذشته و ارتجاع است. این شما هستید که مرتجع هستید و

مدتی را شیوه ی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشخص کرده است. جمهوری اسلامی هم نوعی شیوه مبارزاتی است، اما طولانی ترین و کم اثر ترین است، جمهوری اسلامی را آتقدر دست کم گرفته اند که فکر میکنند با این برنامه ی های مضحک میتوان آن را سرنگون ساخت، شاید یک حزب یا گروه سیاسی قدرتمند که نفوذی عمیق در جامعه دارد و مردم را گوش به فرمان خود دارد بتواند در دراز مدت با اتخاذ تاکتیک "نافرمانی مدنی" نیرویی را در جامعه جابجا کند و یا خود به نیرویی تبدیل شود، اما همه این کارها مستلزم سازماندهی، رهبری و تحزب است که شما فاقد آن هستید. حال چند نمونه از نافرمانی های مدنی را که قرار است جمهوری اسلامی را سرنگون کند و در برنامه آمده است را بررسی میکنیم: "یکی از روش های نافرمانی مدنی، پیاده روی در روز های جمعه است !!!"

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



جمهوری اسلامی می خواهد نازنین، دختر ۱۸ ساله را اعدام کند!

بر اساس گزارش روزنامه اعتماد ۱۷ دیماه، نازنین دختر ۱۸ ساله با صدور حکم نهایی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری، به قصاص محکوم شد. نازنین در ۳۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۳ به همراه دوستان و دوست پسر خود در اطراف کرج به گردش میپرداخت که مورد تهاجم سه مرد گرفت. با پراکنده شدن دوستان و دوست پسر نازنین، سه مرد مهاجم قصد تجاوز جنسی به نازنین و دوستش را داشتند که نازنین در دفاع از خود با چاقو یکی از مهاجمین را به قتل رساند. و برای همین بر اساس قانون اسلامی قصاص به اعدام محکوم شده است. نازنین زمان دستگیری ۱۷ سال بیشتر نداشت. نازنین اساساً جرمی مرتکب نشده است. دفاع از خود در مقابل تجاوز جنسی جرم نیست. جمهوری اسلامی نه تنها بر اساس قوانین اسلامی حکم اعدام نازنین را صادر کرده است، بلکه بسیجی بودن مهاجمها هم در صدور این حکم اعدام موثر بوده است. حکم اعدام و قتل نازنین، یکی دیگر از هزاران هزار اعدامها و قتل هایی است که در ایران بر اساس قوانین اسلام صورت میگیرد. مردم ایران و جهان و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان نباید اجازه دهند که حکم اعدام نازنین به اجرا در آید، باید اعتراض وسیعی را جهت لغو این حکم به راه انداخت. سازمان رهایی زن به نوبه خود تلاش میکند تا توجه مردم و سازمانهای جهانی را به این مسئله جلب کند. تاکنون دبیر سازمان رهایی زن در نامه ای به امنستی مسئله را طرح نموده است و خواهان اعتراض امنستی به حکم اعدام نازنین شده است. سازمان رهایی زن برای نجات جان و رهایی نازنین فعالیتهایی را در دستور خود دارد. در این رابطه از همه کسانی که میخواهند کاری کنند دعوت میکنیم که با سازمان رهایی زن تماس بگیرند تا فعالیت را در این رابطه پیش ببریم. نباید گذاشت هیچ انسانی سرنوشتش به دست قوانین اسلامی قصاص و اعدام در ایران سپرده شود. خود این قوانین باید فوراً لغو شوند.

سازمان رهایی زن

میدانستند که برنامه بی ثمر نیست و به مرتجع و عقب مانده ای اینگونه مبارزه جنبش ایران فردا اعتماد کردند و از شان و فهم و شعورشان را به بازی و فرارخوان ما استقبال کردند!!!
تمسخر بگیرد. مردم ایران پیشیزی ارزش برای فرقه و برنامه مزک شما قائل نیستند.



مردم کاری را که نمیدانستند فلسفه اش چیست را انجام دادند چون به شما اعتماد داشتند؟! دروغی از این بزرگ تر تا به حال نشنیده بودیم، کجا مردم از فراخوان شما استقبال کردند؟ مردم را بی شعور و نادان تصور می کنید، مردم آنقدر نادان هستند که کاری را که دلیلش را نمیدانند چیست انجام می دهند؟ شرم نمیکنید که چنین توهین بزرگی به فهم و خرد این مردم میکنید؟ مردم به شما اطمینان دارند؟ شما چی هستید؟ که هستید؟ جز یک فرقه ی شاه پرست مرتجع، که حال این مردم بخواهند کاری را که نمیدانند فلسفه اش چیست به خاطر اطمینان به شما انجام دهند، مطمئن باشید مردم پاسخ این جسارت ها و توهین های شما را خواهند داد و اجازه نمیدهند هر

بودن طرف بود.

→ در پارک ها و خیابان ها عمده شهر خودتان راه بروید و به یک دیگر تبسم کنید!!!

مردمی که هر روزه مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی را تا حد ممکن علنی و آشکار پیش می برند را ایران فردا می گوید بروند به یک دیگر بخندند؟ سیاستی که از طرف رژیم بکار گرفته شد دیگر قبل از آنکه استعمال فرقه ای برای امثال "جنبش ایران فردا" داشته باشد بدر زباله دان می خورد.

در ادامه برنامه ی نافرمانی مدنی آمده است: "هیچ شعاری ندهید، هیچ تصویر و علامتی با خود نداشته، فقط راه بروید و در دل هم میهنان راه یابید!!"

مردمی که از هر فرصتی استفاده می کنند به خیابانها می آیند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و سران رژیم را سر می دهند را به تمسخر گرفته اید، می گوید هیچ شعاری ندهند!!! به دانشجویانی که علناً پرچمهای سرخ آزادی و برابری را بالا میبرند می گویند هیچ پرچم و علامتی را بالا نبرید!!! پیاده روی کنید! به هم تبسم کنید!

شما یک دنیا با شرایط این جامعه و مبارزه ای که مردم پیش میبرند فاصله دارید و عقب هستید.

دستور عمل بعدی برای نافرمانی مدنی که در برنامه آمده است خاموشی چراغ های خانه در شب است!

این یکی از طرح قبلی هم مزک تر است، مردم صد سال هم در خانه بنشینند و چراغ ها را خاموش کنند، جمهوری اسلامی همچنان به حاکمیت خود ادامه خواهد داد. معلوم نیست چه مبارزه ای است و چگونه منجر به سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد شد! ای کاش حداقل چند طرح کارساز برای نافرمانی مدنی در برنامه بود که اثری در سرنگونی جمهوری اسلامی داشت، اما این چرندیات که مردم باید در خانه بمانند و چراغ ها را خاموش کنند فقط جای تمسخر دارد، و بعد به دروغ و برای تبلیغات می گویند:

"هنگامی که جنبش ایران فردا مدتی پیش فراخوان خاموشی چراغ های منازل را برای مدت ۲۵ دقیقه اعلام نمود، با اینکه هم میهنان فلسفه و اندیشه ی این فراخوان را نمیدانستند، ولی مردم

قبل از اینکه مردم به شما بخندند، جمهوری اسلامی به شما میخندد! مردم قرار است در خیابان راه بروند و به یک دیگر تبسم کنند و بعد جمهوری اسلامی این حکومت جنایتکار تا دندان مسلح سرنگون میشود!!! فرهنگ تبسم و خندیدن و قهقهه هرچند مغایر با فرهنگ ندبه و زاری و عزا باشد اما این شیوه انداختن رژیم اسلامی نیست. جمهوری اسلامی آروز میکند که ای کاش تمام مخالفین ما این حد مشتنگ و هالو بودند!

شما مردم را به تمسخر گرفته اید، نافرمانی مدنی شما خیلی وقت است از رونق افتاده است. جالب است که بدانید خود رژیم اسلامی هم شروع به نافرمانی مدنی کرده است. اگر کسی هنوز شکست ایدئولوژیک اسلام سیاسی به جنبش سرنگونی را در این دوران ندیده است، خیلی ساده روی سیاست راست روانه امسال "جنبش ایران فردا" غلت خواهد خورد. به قول کورش مدرسی "برای روشن شدن درجه عقب نشینی ایدئولوژیک اسلام سیاسی در مقابل جنبش سرنگونی، کمپین انتخاباتی امسال را با کمپین انتخاباتی دوره اول ریاست جمهوری رفسنجانی مقایسه کنید. در کمپین اخیر سد های فرهنگی و ایدئولوژیکی شکسته میشوند که حتی در انتخابات دو خردادی ها قابل تصور نبود.

امسال دیگر رسماً طرفداری از ولایت فقیه و "مکتبی" بودن مضمون کمپین انتخاباتی کسی نبود. رفسنجانی صد یا پنجاه هزار تومان پول برای توزیع ماتریال تبلیغاتی به هر جوان "بیکار" یا نیازمند پول میداد. فعالین انتخاباتی او، به صورت زوج با اسکیت به و با "کهنه ای" بر سر که تنها "برای بستن دهان آقا" بود، برای رفسنجانی، البته به زبان لاتین (HASHEMI!!!)، تبلیغ میکردند. کروی و وعده داده بود اگر انتخاب شود، بجای کلید بهشت، به هرکس ۱۵۰ هزار تومان پول بدهد و بعلاوه دایره زنگی دست این و آن داده که برایش رنگ انتخاباتی بگیرند. حتی در پرسشنامه احمدی نژاد در مورد رئیس جمهور مطلوب مردم روی سایت اینترنتش تنها انتخابی که موجود نبود "ولایت فقیه ی"، "مسلمان" و "مکتبی"

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!